

شاهنامه

تحلیل بیتی از

براساس
تصحیح انتقادی

علی صفی زاده

دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس
دانشگاه و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی
در شبه‌قاره هند

چکیده

در پژوهش پیش رو، بیتی معروف از شاهنامه در داستان رزم رستم و اشکبوس از زاویه دیگر بررسی شده است. نگارنده با مراجعه به نسخه‌ها و منابع معتبر شاهنامه و بررسی زیبایی‌شناسی بیت، به این نتیجه رسیده که در بیت معروف

مرا مادرم نام، مرگ تو کرد
زمانه مرا پُتک ترگ تو کرد

که در کتاب‌های درسی متوسطه آمده است، صورت صحیح‌تر مصراع نخست «مرا مام من نام، مرگ تو کرد» است؛ زیرا هم از نظر نسخه‌شناسی و هم از دیدگاه زیبایی‌شناسی به سخن فردوسی شباهت بیشتری دارد. نظرات گوناگون و دیدگاه‌های متفاوت در این باره، در مقاله پیش رو کاویده و شکافته شده است. لازم به یادآوری است که چون شعر مورد نظر در کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم نیز آمده، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های ارائه شده، برای دبیران و دانش‌آموزان راه‌گشا و مفید است.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، فردوسی، متن پژوهی، تصحیح انتقادی، نسخه‌شناسی

۱. مقدمه

شاهنامه از شاهکارهای خیره‌کننده در فرهنگ و تاریخ بشری به شمار می‌رود و بدون گزافه و گمان، نامه‌ جاودان و ماندگار فرهنگ ایران است. به یقین باید گفت «اگر

پیچیدگی و رازآلود بودنشان بیشتر نمایان می‌شود. در این بیت، از دریچه‌های دیگر به ظرایف و ریزه‌کاری‌های شاهنامه‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی اشاره شده است.

۱-۲. ضرورت تحقیق

به لحاظ اهمیت کاوش در ابیات و متن شاهنامه و آشنایی دانش‌آموزان و دانشجویان با ظرایف و ظرایف آن و بررسی تطبیقی نسخه‌های شاهنامه این‌گونه پژوهش‌ها ضروری و راه‌گشا به نظر می‌رسند. دیگر اینکه چون بیت مورد بحث در کتاب‌های درسی دوره متوسطه نیز گنجانده شده، شکافتن و به نتیجه رساندن آن و نقد نظرات، برای شکوفایی ذهن جویندگان ضروری است و موجب آشنایی آن‌ها با نسخه‌های معتبر شاهنامه خواهد شد.

۱-۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و با روش توصیفی - تحلیلی به نگارش درآمده است.

۱-۴. پیشینه تحقیق

در نسخه‌های معتبر شاهنامه که پیش از این در دسترس محققان و پژوهشگران قرار داشت، از قبیل شاهنامه چاپ مسکو و شاهنامه تصحیح ژول مل، در ترکیب مورد بحث در بیت بالا صورت «مرا مادرم، نام مرگ

ادبیات باستان ما هنوز زنده و تپنده است و داستان روزگار ماست، در گرو این نامورنامه هزاره‌هاست که در آن، پاره‌ها همچون یاره‌ها پیوند گرفته‌اند. شاهنامه دروازه جهانی است فراخ، شگرف، روشن، فسانه‌رنگ و فسون‌بار که آن را جهان ایرانی می‌خوانند (کزازی، ۱۳۷۹: ۴). در این منظومه سترگ، که هم جنبه ملی دارد و هم جنبه دینی، اندیشه‌ها و حکمت‌های اسلامی حکیم فردوسی زیربنای موضوعات معنوی را تشکیل می‌دهد؛ خوبی و بدی، خیر و شر که نمادهایی از نور و ظلمت، یا نیروهای اهورایی و اهریمنی‌اند. فردوسی در این اثر جاودان، ارزش‌های والای انسانی نظیر ستم‌ستیزی، مبارزه با ظلم، دفاع جانانه از وطن، عدالت‌خواهی، آزادی و دفاع از مظلوم را می‌ستاید.

۱-۱. بیان مسئله

در مقاله پیش رو با توجه به ظرافت‌های نسخه‌شناسی و متن پژوهش شاهنامه و از دریچه زیبایی‌شناسی، بیتی معروف در داستان رستم و اشکبوس بررسی و صورت تصحیح شده آن پیشنهاد شده است. شاهنامه را باید از متونی به شمار آورد که از آن به «دشوار آسان‌نما» یا همان «سهل و ممتنع» تعبیر می‌شود؛ یعنی همان متونی که هر کس با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، در آغاز به فهم و درکشان اذعان می‌کند ولی هنگامی که رمزها و رازهای آن‌ها گشوده می‌شود،

تو کرد» ثبت و ضبط شده اما در تصحیح جدید و انتقادی که جلال خالقی مطلق در سال‌های اخیر از شاهنامه به چاپ رسانده و نامه باستان از میرجلال‌الدین کزازی، صورت درست در بیت مورد بحث «مرا مام من، نام مرگ تو کرد» ثبت و ضبط گردیده که در متن مقاله بررسی شده است.

۲. نقد و تحلیل بیت شاهنامه

در داستان کاموس کشانی و رزم رستم با اشکبوس یکی از شاهکارهای شاهنامه و هنرنمایی فردوسی رخ می‌نماید. در بیتهای این داستان (در کتاب درسی فارسی)، که به راستی به دیوانی می‌ارزد، آمده است:

مرا مادرم نام مرگ تو کرد
زمانه مرا پتک ترگ تو کرد

(قاسم‌پور مقدم و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹)
این بیت در شاهنامه تصحیح ژول مل (ج ۳، بیت: ۱۳۹۵) و نسخه ر. علی یف و آ. برتلس، که شعر کتاب فارسی متوسطه نیز از روی آن نوشته شده، به صورت بالا درج گردیده است اما در تصحیح انتقادی شاهنامه، که خالقی مطلق در سال‌های اخیر چاپ نموده و همچنین در نامه باستان اثر میرجلال‌الدین کزازی که ویرایش و گزارشی از شاهنامه است، بیت مورد بحث به صورت زیر آمده است:

مرا مام من، نام مرگ تو کرد
زمانه مرا پتک ترگ تو کرد

(خالقی مطلق، ۱۳۹۳: ۱۸۳)
مرا مام من نام مرگ تو کرد
زمانه مرا پتک ترگ تو کرد

(نامه باستان، ج ۴، بیت ۲۸۷۸)
رستم به پیروی از هنجار و رسم و راهی در آیین و منش پهلوانی از گفتن نام خویش به هم‌آورد سر باز می‌زند و می‌گوید نامی که مادر بر من نهاده، مرگ توست و زمانه مرا پتکی گردانیده است که بدان، ترگ و تارک تو در هم خواهد شکست. بیت بالا در «سختگی و ستواری، در شورانگیزی و شرخیزی، در کوبندگی و کاوندگی، آن چنان والا و بنیروست که به تنهایی به دیوانی می‌ارزد» (کزازی، ۱۳۹۱: ۵۹۱).

به راستی، آیا اگر به جای «مام» در این بیت فردوسی، واژه «مادر» بیآوریم، ارزش

حماسی آن را از بین نبرده‌ایم؟ با بررسی واژه «مام» در شاهنامه به این نتیجه رسیدیم که فردوسی بیش از سی بار دیگر، از این واژه بهره برده است. در بیت مورد بحث برای اینکه استواری و رجزخوانی رستم، نمود و بروز بیشتری داشته باشد، کاربرد «مام» قابل مقایسه با «مادر» نیست؛ زیرا واژه مادر تا حدودی بار عاطفی دارد و حال آنکه «مام» این گونه نیست. دیگر اینکه از دریچه زیبایی‌شناسی، که فردوسی همیشه از آن برکنار نیست، واژه‌های «مام» و «نام» چه از

در بیت مورد بحث برای اینکه استواری و رجزخوانی رستم، نمود و بروز بیشتری داشته باشد، کاربرد «مام» قابل مقایسه با «مادر» نیست؛ زیرا واژه مادر تا حدودی بار عاطفی دارد و حال آنکه «مام» این گونه نیست

لحاظ سجع‌پردازی و چه از لحاظ واج‌آرایی به بیت زیبایی و شکوهی دوچندان بخشیده‌اند. حال آنکه اگر در بیت مذکور از لفظ «مادر» استفاده کنیم، بیت ارزش چندانی نخواهد داشت. به بیان دیگر، «زیبایی قطعه رستم با اشکبوس در شورانگیزی آن است و شور حماسی، این بار کمتر در نشان دادن هنر «دست» و بیشتر در هنر «زبان»، یعنی در «رجزخوانی»، است که در نوع خود شاهکار است اما ویژگی این رجزخوانی در اینجا کمتر در خودستایی و بیشتر در خوار گرفتن و ریشخند کردن هم‌نبرد است (خالقی مطلق، ۱۳۹۳: ۵۵). به سخن دیگر، در این توصیف، در هنر پهلوانی «سخن» ارزشی بسیار بیشتر از «دستبرد» یافته است. با توجه به بیت بالا و دقت و جست‌وجو به این نتیجه می‌رسیم

که صورت دوم بیت (گزینش «مام» به جای «مادر»)، بیشتر با سخن و روش فردوسی همخوانی دارد.

۳. نتیجه

به‌عنوان نتیجه‌گیری باید گفت که در بیت مورد بحث از شاهنامه فردوسی، نگارنده با مراجعه به شاهد مثال‌های گوناگون و

نسخه‌ها و منابع معتبر شاهنامه به این نتیجه رسید که در بیت مورد بحث از داستان رستم و اشکبوس، کاربرد «مام» بسیار هنری‌تر، ادیبانه‌تر و حماسی‌تر از کاربرد «مادر» می‌تواند بود و با وجود آن، زیبایی آرایه‌های جناس و واج‌آرایی نهفته در درون بیت از بین نمی‌رود. دیگر اینکه در آثار بزرگ و شاهکارهای ادبیات غنی فارسی، باید به تمام منابع و نسخه‌های موجود رجوع نمود تا بهترین و شیواترین متن یا پژوهش به دست آید و فهم دقیق و مطمئن بیت حاصل شود.

منابع

۱. خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۳). یادداشت‌های شاهنامه، ج سوم. تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۲. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق. ج پنجم. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۳. —. (۱۳۷۱). شاهنامه، به تصحیح ژول مل. ج سوم. تهران: سخن.
۴. قاسم‌پور مقدم، حسین و همکاران. (۱۳۹۷). فارسی ۱ (متوسطه). ج سوم. تهران: چاپ و نشر کتاب درسی.
۵. کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۹). نامه باستان (گزارش شاهنامه). ج ۱. اول. تهران: سمت.
۶. کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۹۱). نامه باستان (گزارش شاهنامه). ج ۴. پنجم. تهران: سمت.